



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# حکومت مهدی علیه السلام

## در اندیشه سیاسی

سید جعفر کشفی دارابی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# حکومت مهدی در اندیشه سیاسی

نویسنده:

سید جعفر کشفی دارابی

ناشر چاپی:

آینده روشن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... حکومت مهدی در اندیشه سیاسی
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... مقدمه
۶	..... حکومت مهدی در اندیشه سیاسی
۶	..... ضرورت حکومت دینی
۷	..... ادوار حکومت
۸	..... تمایزات عصر نبوت و عصر ولایت حضرت مهدی
۸	..... اشاره
۹	..... عقیده
۹	..... عبادت
۱۰	..... معامله
۱۰	..... نتیجه گیری
۱۰	..... پاورقی
۱۱	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## حکومت مهدی در اندیشه سیاسی

### مشخصات کتاب

نویسنده: سید جعفر کشفی دارابی

ناشر: موسسه آینده روشن

### مقدمه

این مقاله بدلیل گستردگی برخی از مباحث، توسط کمیته علمی اجلاس تلخیص شده است. سید جعفر کشفی دارابی از اندک عالمانی است که از دیدگاه فلسفه، کلام و فقه به بحث و بررسی در قلمرو سیاست پرداخته و در ضمن آثار متعددی که از خود بجای گذاشته موضوع حکومت را در یک نگرش جامع تصویر کرده است. این عالم بزرگ که ژرف کاوی های او ناشناخته مانده در سال ۱۱۹۱ هجری قمری در خانواده ای روحانی در بخش اصطهبانات از توابع فارس دیده به جهان گشوده و در سال ۱۲۶۷ هجری قمری در بروجرد بدرود حیات گفته است. در سال های اخیر که نوشته های وی از دیدگاه سیاسی مورد توجه پژوهش گران غربی و محققان داخلی قرار گرفته درباره ی نظریه های وی کم و بیش تحقیقاتی انجام شده است. آن چه نگارنده عرضه می کند در وهله ی نخست مرهون پژوهش های گسترده و عمیق چند ساله ی نویسنده ی جوان و دانشمند «عبدالوهاب فراتی» است و آن گاه مطالعات و بررسی های شخصی.

### حکومت مهدی در اندیشه سیاسی

سید جعفر کشفی فراتی در مقدمه ی کتاب «اندیشه سیاسی سید جعفر کشفی» می نویسد: «کشفی مجموعه ای از نگرش ها و گرایش های فلسفی، عرفانی، کلامی را در ذیل یک نگرش جامع یعنی گشت و بازگشت عقل و مواجهه آن با جهل دارد، در واقع او جهان را آمیخته ای از عقل و جهل می داند و در تلاش است تا جامعه، تاریخ و انواع دولت را بر اساس آن دو تبیین کند، دولت در اندیشه او یا حق است یا باطل. دولت حق یا مدینه الهیه تنها در زمانی میسر است که حضور عقل یا روح محمّدی ممکن باشد. چنین امکانی نیز در دو مقطع از تاریخ بشر رخ داده یا می دهد: اولین مقطع به عصر نبوت اختصاص دارد که در این دوران رویه ظاهری عقل در لباس شریعت هویدا شده است. در دوّمین مقطع که رویه باطنی عقل عیان می گردد و به عصر ولایت شهرت می یابد، آخرین ولیّ خداوند حضرت مهدی (عج) ظهور می کند و تشکیل دولت حقّه ثانیه می دهد. در فاصله این دو مقطع، دولت آرمانی کشفی به دولتی انحصار می یابد که زعیم اش با عقل کل در ارتباط و همانند منصب امامت، واجد دو رکن علم و سیف باشد.» [۱]

کشفی در دو کتاب «میزان الملوک» و «تحفه الملوک» درباره ی نوع حکومتی که در زمان غیبت صلاحیت اداره ی جامعه را داراست و به مبحث ولایت فقیه مربوط می شود، بطور مبسوط بحث کرده و هر دو کتاب، تحقیق و احیا شده است، در این دو اثر تحلیل جامعی از نظریه های کشفی در موضوع حکومت در عصر غیبت ارائه شده که فعلاً از مبحث ما خارج است. آن چه در این نوشته مورد نظر است نقل دیدگاه های کشفی درباره ی دو نوع حکومت الهی در آغاز و پایان عصر رسالت و امامت، و کند و کاو در چگونگی عصر امامت است.

### ضرورت حکومت دینی

اینک با نقل گفتار «سید کشفی» به ترسیم دو نوع حکومت در عصر رسالت و ظهور حضرت مهدی (عج) می پردازیم: وی می گوید: «مردمان و بنی نوع انسان، در آرای خود متفاوت و در عقول متفاوت می باشند و دواعی افعال و غایات حرکات ایشان در غایت اختلاف است و از برای هر یک از آن ها در افعال و حرکات خود، مقصدی و غایتی غیر از مقصد و غایت دیگری می باشد، پس اگر آن ها به مقتضای طبایع و مقاصد خود واگذارده شوند هر آینه یکدیگر را مثل سباع بز و ماهیان بحر می درند و به افساد و افنای یکدیگر مشغول می شوند و عالم را هرج و مرج و نظام را مختل می گردانند، پس بالضروره، نوعی از تدبیر می باید که بواسطه آن، هر یکی را در منزلتی که مستحق آن است وا دارد و قانع گرداند و به حق خویش راضی سازد و دست تعدی و تصرف او را در حقوق و مراتب دیگران کوتاه کند و به شغلی که مناسب او است و از اسباب معاونت امور معیشت و معاد و دین یکدیگر است، مشغول دارد. و این نوع از تدبیر، همان سیاست مدن است.» [۲]. «کشفی» اصرار بر آن دارد که جامعه ی بی دولت، دنیا و آخرت آدمیان را تخریب می کند و بنیان زندگی جمعی را درهم می ریزد. دلیل وی بر این مدعا، علاوه بر «بدهات عقل» مشاهدات تجربی بشر و استنادهای نقلی از دین است. وی پس از نقل آیات و روایات متعدد چنین نتیجه می گیرد: «از مضامین این آیات و احادیث و امثال آن ها علاوه بر مشاهده و تجربه بر تو معلوم می شود که نظام امر معیشت و معاد بنی نوع انسان و بقا و انتظام مدن و شهرها بدون سلطنت سلطان قاهرونظر و تدبیر ساینس مدبر، که ایشان را بر وفق آثار عقل و نور حکمت اتفاق و ائتلاف دهد، منتظم نمی گردد و معموری در روی زمین حاصل نمی شود.» [۳]. اگر کشفی فلسفه و نوع نگرش خود را در برپایی نظام های اخلاقی، اجتماعی و سیاسی بر عقل استوار می سازد، بر این مبناست که وی با ژرف نگری ویژه ی خود موضوع «خرد»، «خردمندی»، «تعالی» و «افول» آن را در پرتو نصوص دینی بخوبی دریافته است. «فرائی» نوع برداشت کشفی را در بخش سوم جهان بینی او تحت عنوان «فلسفه ی تاریخ» در عین اختصار بخوبی و شیرینی چنین شرح می دهد: اعصار گشت و بازگشت عقل، دوره های تاریخ بشر را تشکیل می دهند، این تاریخ با روی آوری عقل به محل تکون بنی آدم که با هبوط حضرت آدم (علیه السلام) هم زمان است، آغاز و با اوج و ظهور عقل و در آخرالزمان (در عصر حکومت حضرت مهدی (عج)) به فرجام می رسد. در واقع، عقل به علت تعلق خاطری که خدا در خلقت اولین به او ارزانی داشت، چیزی است که به عنوان موتور محرکه، تاریخ را شروع و به پایان می برد. هر چند این عقل در فرآیند تاریخ، همواره میدان دار حوادث و رخدادهای جامعه ی انسانی نبوده و در بسیاری از موارد و حوادث، مغلوب جهل شده است، اما در نهایت او پیروز است و در فرجام دنیا به اوج خود می رسد.

## ادوار حکومت

اقبال و ادبار عقل و جهل در حدیث یکم و چهاردهم در کتاب «کافی» با تأویلی که کشفی ارائه می کند موجب تقسیم تاریخ به دو دوره ی کلی می گردد: الف) عصر نبوت (عصر ولایتالف) عصر نبوت در این دوره وجهه ی ظاهری عقل به آدمیان روی آورده و با آمدن رسول دیگری تکمیل می شد. این تلاش در کنار هدف بعثت انبیا، که در بخش عمده ای از تاریخ بشر وجود داشته، در زمان آخرین فرستاده ی الهی به سبب وجود مبارک آن حضرت و تمامیت استعداد او به آخرین نهایت و رشد و کمال خود رسیده است. در این جا حادثه ی مهمی که رخ داده، این است که تمام رویه ی ظاهری عقل، با آمدن آخرین پیامبر الهی (صلی الله علیه و آله) ابلاغ گردیده و حجت خدا بر آدمیان تمام شده است و به فرمان الهی آخرین مرحله ی تبلیغ که اکمال دین و اتمام نعمت است با نصب امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به امامت، به مردمان ابلاغ می گردد، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تلویحاً پایان عمر شریف خود را خبر می دهد. [۴]. مفروض کشفی در این جا این است که بیان وجهه ی ظاهری عقل در لباس شریعت به سر حد کمال رسیده و حجت خدا بر آدمیان در دوره ی آخرین رسولش، تمام شده است، و پس از رحلت حضرتش بار دیگر جهل رو به تزیاید و فزونی می نهد و جامعه را جنود جهل اندک اندک به تصرف درمی آورد. پس از رحلت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

نصب امامان معصوم، همانند نصب پیامبران الهی، به عنوان سرسلسله‌ی عاقلان، بر خدا واجب است و حضور آنان در میان آدمیان ضروری، با این تفاوت که بر اینان امین وحی نزول نمی‌کند و مکلف به تکلیف جداگانه‌ای نیستند. به عقیده‌ی کشفی امامان عین عقلمند و پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) ریاست سلسله‌ی عاقلان را برعهده دارند و بدین علت نیز باید خلافت مسلمانان به ایشان واگذار شود، و این واگذاری باید از سوی مردم باشد نه این که ایشان در پی مردم بروند: «و از این جاست که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در وصیت خود به امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: یا علی! مثل تو مثل بیت الله است و مردمان باید که به سوی تو بیایند و نباید که تو به سوی مردمان بروی». [۵]. اگر مردمان به وظیفه‌ی خود عمل می‌کردند شکوفایی و رشد متوقف نمی‌شد، اما نمایندگان طبقه‌ی «جهل»، در سقیفه‌ی بنی ساعده بر «عقل» جامعه‌ی مدینه‌ی الهی پانهادند و حق آنان را غصب کردند، این است که اکمال عقل در جامعه به دست جنود جهل رو به نقصان و ضعف گذاشت. در دوره‌ی غیبت مشکل جامعه‌ی انسانی بیشتر شده است، زیرا در این دوره نمایندگان اصلی عقل، در میان جامعه حضور ندارند و رویه‌ی ظاهری جهل که پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به این سو قوت گرفته بتدریج در تمامی حوادث اجتماعی آدمیان حضور فعال یافته است و در این مقطع طولانی خلط عقل و جهل پیوسته وجود دارد تا به اذن الهی عصر ولایت حضرت مهدی (علیه السلام) آغاز گردد. عصر ولایت عقل که از زمان توجه اش به عالم تکون بنی آدم، به علت محصور شدنش در حصار ظاهر و نیز در آمیختگی اش با جهل، نتوانسته بود جوهر و ماهیت خویش را عیان سازد، از این دوران به بعد، فرصت می‌یابد تا با فرمان دوم پروردگار، به سوی حق برگردد و باطنش را بر همه‌ی آشکار سازد، با وجود چنین پیش‌آمدی است که تمایز ماهوی میان عقل و جهل به وجود می‌آید و تقابل عینی عقل و جهل به اوج می‌رسد. دیگر در عصر ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) خلطه‌ای میان اهل عقل و اهل جهل نیست زیرا وصف هر یک از آن‌ها معین است. پیکاری که میان این دو صف رخمی دهد با پیروزی عاقلان خاتمه می‌یابد و عملاً وعده‌ی الهی در مورد پیروزی آنان به عنوان وارثان زمین تحقق پیدا می‌کند. این سرنوشت محتومی است که در پیش روی تاریخ بشر قرار دارد. کشفی در وصف دولت حضرت می‌فرماید: «بدان که زمان ظهور دولت آن جناب، که زمان ظاهر شدن دولت ثانیه‌ی حق است زمان ظهور و غلبه‌ی عقل است از روی باطنی آن، که مقام ولایت است و به منزله‌ی روح است از برای روح ظاهری آن، که مقام نبوت است» [۶]. این دولت که در آخر الزمان، با ظهور حضرت مهدی (عج) برپا می‌شود، همان مدینه‌ی فاضله‌ی شیعیان دوازده امامی است که طی آن همه‌ی بطون عقل هویدا می‌گردند، ناگفته‌ی شرع و عقل، گفته می‌شود و اختلاط طولانی عقل و جهل و درهم آمیختگی گروه عاقلان و جاهلان پایان می‌یابد و حکومت از آن عاقلان و صالحان زمین می‌گردد.

## نمایزات عصر نبوت و عصر ولایت حضرت مهدی

### اشاره

ظاهر و باطن عقل، اساسی‌ترین عنصری است که موجب تفاوت‌های جدی بین این دو عصر می‌شود. این تمایز، که حوزه‌ی اندیشه و عمل آدمیان را پوشش می‌دهد در واقع گونه‌های مختلفی از زندگی انسان می‌آفریند که کمتر کسی بدان توجه کرده است، کشفی درباره‌ی این وجه تمایز می‌نویسد: «و از این سبب، فهم و دانش و علم و سایر قوای باطنیه اهل آن زمان که همگی قوالب و مجالی و مظاهر عقلمند و رأس و رئیس قطب ایشان جناب ولایت مآب، حضرت صاحب العصر می‌باشد، اولاً و بالذات متعلق و مرتبط به باطن و ناشی از حقیقت است و حرکات و سکانات و عبادات و معاملات و سایر حرکات ظاهریه و جوارحیه ایشان که تابع و متفرع بر قوای باطنیه است، ظهور و بروز همگی و تمامی آن‌ها، ایضاً از روی باطن و حقیقت است، به خلاف زمان نبوت که زمان ظهور عقل است از روی ظاهری آن و مردمان آن زمان، که قوالب و مجالی و مظاهر عقلمند ایضاً فهم و دانش و علم و سایر



قوای باطنیه و... اولاً و بالذات از روی ظاهر و آثار است.» [۷]. بدین علت، در عصر نبوت چون «اوان تبلیغ و اتمام حجت» است و «اهل جهل و عقل» نیز در اختلاط بسر می‌برند، رفتار همه‌ی آدمیان حمل بر ظاهر می‌شود و از تفحص و تجسس از کنه عمل جلوگیری می‌گردد، از این رو در سراسر عصر نبوت، عبادات و معاملات مؤمن و منافق بر یک منوال و منهج حمل بر صحت می‌شود و تساهل در امر دین داری به اوج خود می‌رسد. این در حالی است که در عصر ولایت، حجت با هر دو چهره اش، تمام می‌شود و عقل و جهل به طور کامل از هم متمایز می‌گردند، به همین دلیل هم بنای امر بر تجسس، مناقشه و مذاقه گذارده می‌شود و دوران تساهل به پایان می‌رسد. ایشان در ادامه می‌نویسد: «و از این جاست که زمان ولایت را به قیامت صغری نامیده‌اند، چون که تمیز و تفرقه که از لوازم معاد و قیامت است فیما بین جنّت و جهنّم و اهل آن‌ها حاصل شده است و خبیث از طیب و سچین از علیین جدا گردیده است، لکن از آن‌جا که هنوز اوضاع دنیویّه آن‌ها که تغییرات و بقای تکلیف و مرء و پیری و تولید و امثال آن هاست، باقی و مرتفع نگردیده است، آن‌را به صغری نامیده‌اند، و قیامت کبری وقتی است که اوضاع دنیویّه مذکوره از موجودات مرتفع گردد و اوضاع آن‌ها بالکلّیه به اوضاع بقا و راحت کلّیه گردد.» [۸]. کشفی در تحفه الملوک تفاوت‌ها و تمایزهای عصر رسالت و عصر ولایت حضرت مهدی (عج) را در سه محور عقیده، عبادت و معامله بیان می‌کند:

### عقیده

در دوره‌ی نبوت، معرفت آدمیان به مبدأ عالم هستی، معرفتی است اجمالی و هر کس به اندازه‌ی بهره‌ای که از عقل برده است به شناخت مرتبه‌ای از ذات حق موفق می‌گردد، مثلاً در این دوره بسیاری از دین‌داران از معلول و اثر پی به علت و مؤثر می‌برند، در حالی که در عصر ولایت، معرفت همه‌ی دین‌داران، معرفتی است تفصیلی و خدا را به واسطه‌ی خودش نه آثارش در می‌یابند: «فهم و عقل مردمان در عصر نبوت، در معرفت خداوند اولاً مرتبط به آثار صنع و آیات اوست و صنع و آیات او را می‌شناسند، نه خداوند را که صاحب صنع و آیات است و از حکم و مصالحی که در آن آثار و آیات می‌بینند، ایضاً تصدیق می‌کنند به این که خداوند حکیم و عالم و عادل است... این نوع از معرفت، معرفتی است اجمالیّه و ظاهریه چون که عقل ایشان که آلت معرفت است، از اشعه‌ی روی ظاهری عقل است، و انبیا و رسل که بهره‌ای از روی باطنی آن دارند، ایضاً مکلفند که به قدر حوصله و طاقت ایشان تکلم نمایند تا آن که شیئاً فشیئاً و بر سبیل تدریج هر کس از آن‌ها را که قابل باشد به عالم باطن برسانند و او را از اشعه روی باطنی عقل، صاحب نصیب و ذو سهم گردانند، اما در عصر ولایت [مسأله بر عکس است]... از شناختن صاحب صنع، به وجود و صفات آن منتقل می‌گردند... این معرفت به دل ایشان رسیده است و لذت او را چشیده و صاحب میل و محبت و عشق به خداوند خود گردیده‌اند.» علاوه بر این، در عصر اول، آدمیان از طریق معجزه، رسول بودن پیامبر را تصدیق می‌کنند در حالی که در عصر دوم به قوه تعقل خود پی می‌یابند که حجت بن الحسن (عج) آخرین پیشوای شیعیان است و در این تصدیق هم نیازی به وساطت و معجزه ندارند.

### عبادت

در دوره‌ی نبوت، بسیاری از دین‌داران به دلیل شوق به بهشت یا ترس از جهنّم، خدا را بندگی می‌کنند، در حالی که در عصر ولایت آدمیان خدا را به خاطر عشق و محبتی که به او دارند می‌پرستند. کشفی در این زمینه می‌نویسد: «و از این جاست که جناب امیرالمؤمنین (علیه السلام) که صاحب مقام ولایت بودند فرمودند که: ما عَبدُكَ خَوْفاً مِنْ نَارِكِ وَ طَمَعاً فِي جَنَّتِكَ بَلْ وَجَدْتُكَ أَهْلاً لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ... و بعد فرمودند که اهل عبادت خداوند سه قسمند قسمی که بندگی خداوند می‌نمایند از جهت خوف، پس عبادت آن مثل عبادت عبید و ممالیک و اسرا است که از جهت خوف از موالی است نه به جهت محبت داشتن به آن‌ها، و قسمی

که بندگی می نمایند از جهت طمع، و عبادت آن مثل عبادت اجیر و مزدکاران است که به جهت طمع اجرت است نه محبت ایضاً. و قسمی که بندگی می نمایند از جهت محبت و عبادت آن مثل عبادت احرار است. و از این جاست که بعضی از علمایی که اهل عرفاند حکم به بطلان آن دو قسم از عبادت نموده اند، جهت خوف و طمع را، جهت تقریبی که شرط است در صحت عبادت ندانسته اند. و لکن اشتباه از آن جا نموده اند که فرق ما بین زمان و تکالیف عصر نبوت و ما بین زمان و تکالیف عصر ولایت ندانسته اند. پس مادامی که زمان، زمان نبوت است هر سه قسم از عبادت صحیح است هر چند که اشرف آن ها قسم آخری است و وقتی که زمان ولایت آمد غیر از قسم آخری صحیح نیست و فاسد است لکن در آن وقت کسی که صاحب آن دو نیت باشد به هم نمی رسد و نیست».[۹].

### معامله

در عصر نبوت اکثر آدمیان، زندگی را به قصد خوردن و آشامیدن و پوشیدن می خواهند و در عصر ولایت به قصد زنده ماندن. از این رو، هر نوع داد و ستدی که در دوره ی اول رخ می دهد به قصد گذراندن امر معیشت است، در حالی که در دوره ی دوم به منظور اتیان امر و حکمت خدا است. سید در این خصوص می نویسد: «و خلاصه آن است که صاحب مقام نبوت آن است که مردم را از ظاهر و به وسیله ی شریعت، به باطن و حقیقت می رساند و صاحب مقام ولایت آن است که مردم را بواسطه باطن به ظاهر مشغول می نماید و از این جاست که احکام نبوت را به اسم شریعت - که به معنای راهی است که از آن راه به سوی آب می روند - نامیده اند و احکام ولایت را به اسم حقیقت نامیده اند و برزخ ما بین را طریقت نامیده اند و مراد از این سه مرتبه همان مراتب علم الیقین، عین الیقین و حق الیقین... و همین سه مرتبه است ایضاً، که آن را علم، عمل و وصول می گویند و در حدیث مشهور نبوی است که: الشریعة أحوالی و الطریقة أحوالی و الحقیقة رأس مالی» [۱۰].

### نتیجه گیری

در پرتو دیدگاه های کشفی می توان روایت هایی را که از معصومین (علیهم السلام) درباره ی چگونگی حکومت حضرت مهدی (عج) و روش زندگانی مردمان در آن عصر نقل شده است، بهتر معنا کرد و چشم انداز جامعه ای را دید که نظام اداری و سیاسی آن اسباب تربیت و رشد عقلانی افراد را آن چنان فراهم آورده که همگی مطیع و منقاد خرد گشته و اخلاق حمیده جای هوی پرستی و صفات رذیله را در نهاد ایشان گرفته و ظلمت درون به نور حکمت و معرفت بدل شده است. پر واضح است که چنین جامعه ای آرام، امن و مشحون از دادگری و عدالت است و اینان هستند که شایستگی استفاده از نعمت آزادی به معنای درست آن را دارند. زیرا انگیزه ی سببیت از میان شان رخت بر بسته، بنابراین برای اداره ی آن نیازی به تشکیلات عریض و طویل روزگار که ضرورتاً ابناء دنیا برای کنترل جهالت های آدمیان برپا کرده اند، نیست. در آن حکومت نیروها صرف مصالح حقیقی و پایدار می گردد و از هر چیز و هر کس بر پایه ی حکمت و خرد ناب استفاده می شود و بافت جامعه های انسانی هم چون نظام طبیعی موجودات که مطیع اوامر اراده ی حضرت سبحان است بر منتهای فرزاندگی و صلاح گردش می کند.

### پاورقی

[۱] فراتی، عبدالوهاب، اندیشه سیاسی سید جعفر کشفی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۸، چاپ اول، ص ۱۱.

[۲] کشفی دارابی، سید جعفر، تحفة الملوک، چاپ سنگی، ج ۲، ص ۱۰۶.

[۳] همان، ص ۱۰۷.

[۴] فراتی، عبدالوهاب، اندیشه سیاسی سید جعفر کشفی، ص ۱۰۷.

[۵] کشفی دارابی، سید جعفر، تحفه الملوک، ج ۱، ص ۴۵.

[۶] همان، ص ۷۸.

[۷] پیشین، ص ۷۹.

[۸] پیشین.

[۹] پیشین، ص ۸۸.

[۱۰] همان، ص ۸۸.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتعم فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد.»



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

